



دو نظریه در ملاقات با امام عصر / شرط اساسی دیدار حجة ابن الحسن (عج)

دو نظریه در مورد امکان ملاقات با امام عصر وجود دارد که بر اساس ادله برخی، امکان ملاقات به کلی رد می شود و بر اساس ادله برخی دیگر، این مسئله ممتنع نیست.

دو نظریه در مورد امکان ملاقات با امام عصر وجود دارد که بر اساس ادله برخی، امکان ملاقات به کلی رد می شود و بر اساس ادله برخی دیگر، این مسئله ممتنع نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهل و هفتم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

ما در این مورد صحبت می کردیم که ما به اختیار خود می توانیم با امام ارتباط برقرار کنیم. در جلسه قبل بحث هایی در این مورد مطرح کردیم.

یک دیدگاه جناب شیخ مفید، نعمانی و کاشف الغطا است که می گویند ارتباط با حضرت به صورت ملاقات و فیض حضور ممکن نیست.

مستند آنها برخی روایات است که بحث خواهیم کرد. مضمون برخی روایات مبنی بر این است که امام اصلاً دیده نمی شود مثل «تری و لا تری» می بیند ولی دیده نمی شود. «لایرونه» او را نمی بینند. «یری الناس و لا یرونه» مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند. «یغیب عنکم شخصی لا یری جسمه» شخص او از شما غایب است و جسم او دیده نمی شود. «لا یری شخصی» شخص او دیده نمی شود. «لا ترون شخصی» شخص او را نمی بینند. «اری الخلق و لا تری» مردم را می بیند ولی دیده نمی شود.

ما بحثی در مورد معنای غیبت داشتیم که گفتیم امام به چه معنا غایب است؟ آیا وجود ایشان ناپیداست و یا حقیقتش ناشناس است؟ آنجا مفصلاً صحبت کردیم. کسانی که می گویند ارتباط با امام امکان ندارد و به این هشت طایف از روایات اسسنتاد کرده اند، مراد آنها از غیبت ناپیدایی است یعنی امام دیده نمی شود.

دلیل دوم این گروه این است که اساساً نقل اینگونه ملاقات ها منافات با حکمت غیبت امام زمان دارد. ما در بحث های آتی به این معنا خواهیم رسید که امام به چه دلیل غایب است و مصالح و دلایل غیبت چیست؟

از امام باقر سوال کردند که فرج شما چه زمانی اتفاق می افتد؟ حضرت فرمودند «هیئات هیئات لا یكون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا حتی یدهب الکرد و یبقی الصفو» یعنی فرج ما حاصل نمیشود تا این که شما مردم غربال شوید، دوباره غربال شوید و سه باره غربال شوید تا افراد گنه کار بروند و پاکان بمانند.

اشاره دارد که در مرحله اول عموم مردم و در مرحله بعدی خواص و در آخر هم خواص الخواص غربال شوند.

یکی از رسالت های ظهور امام عصر این است که نفاق از بین می رود. این از بین رفتن نفاق با طولانی شدن ظهور حضرت محقق می شود. طولانی شدن غیبت امتحان است. سوه عنکبوت می فرماید «أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمنا وهم لا یفتنون» یعنی مردم فکر کردند رها می شوند و هیچ امتحان و ابتلائی وجود نداشته باشد؟ لذا حکمت غیبت ولی عصر این است که این امتحانی از ناحیه خداست.

امام کاظم می فرماید «إذا فقد الخامس من ولد السایع من الأئمة فالله فی ادیانکم لا یزینکم عنها احد یا بنی انه لابد لصاحب هذا الامر من غیبة، حتی یرجع عن هذا الامر من کان یقول به، انما هی محنة من الله امتحن الله بها خلقه» یعنی برخی منکر می شوند.

لذا بحث این است که اگر بخواهد این ملاقات هایی که عرض کردیم وجود داشته باشد، امتحان هایی که ذکر شد، هدف خود را از دست خواهد داد در حالی که سنت خدا تغییر پذیر نیست.

روایت می فرماید «و لیغیبین عنهم تمييزا لاهل الضلالة حتى يقول الجاهل: ما لله فی آل محمد (ع) من حاجة» یعنی و البته غائب می شود تا گمراهان تمیز داده شوند تا آنجا که نادانان گویند: خدا به آل محمد (ع) حاجتی ندارد.

لذا این ملاقات ها با این فلسفه در تضاد است.

دلیل سوم این است که خود حضرت می فرماید هرکس ادعای مشاهده کرد او را تکذیب کنید. حضرت به چهارمین نائب خاص خود فرمود «مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلَا قَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّقْيَانِيَّ وَ الصَّيْحَةِ قَهْوَ كَذَابٌ مُفْتَرٌ» یعنی آگاه باشید! هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ گو و افترا زنده است.

در روایات از جستجوی امام هم منع وجود دارد. اصلاً دنبال این حرف ها نروید. پیروی از امام واجب است نه تشریف.

امام عسکری می فرماید «و لا یبحثوا عما ستر عنهم فیأثموا و لا یکشفوا ستر الله عزوجل فیندموا» یعنی از آنچه از آن ها پوشیده است در گذرند و از بحث و فحص در آن خودداری کنند، که به گناه آلوده خواهند شد. اسرار الهی را فاش نکنند، که موجب پشیمانی آنان خواهد شد.

بر اساس دلایل گروه اول، هم ما منع کرده اند و هم به این دلایلی که بیان شد، امکان ارتباط با امام وجود ندارد.

نظریه دوم این است که امکان ملاقات وجود دارد و طرفداران این نظریه شخصیت های بزرگواری مثل سیدمرتضی، شیخ طوسی و سیدابن طاووس هستند.

دلیل آنها این است که امام به سان خورشید پشت ابر است و این خورشید نورافشانی ندارد ولی با این سوی ابر قطع ارتباط نکرده است.

جابر ابن عبدالله از رسول خدا سوال کرد که آیا شیعیان در زمان غیبت قائم از وجود او بهره مند می شوند؟ پیامبر جواب می دهند «والذی بعثنی بالنبوه انهم یتستضیون بنوره ینتفعون بولایتیه فی غیبتیه کانتفاع الناس بالشمس و ان تجللها سحاب» یعنی قسم به خدایی که مرا مبعوث کرده است آن ها (شیعه) در زمان غیبت به نور او طلب نور کرده و به ولایت او منتفع می گردند مانند نفع بردن مردم از خورشید هر چند ابر آن را بپوشاند.

چون شأن امام در دوره غیبت مثل خورشید پشت ابر است و از خورشید پشت ابر می توان انتفاع برد از امام هم می توان انتفاع برد.

روایت دیگر از امام صادق است که می فرماید زمین از آفرینش عالم تاکنون و تا همیشه تاریخ از حجت خالی نخواهد بود، خواه حجت حق ظاهر و آشکار و شناخته شده باشد یا بنا به مصالحی، نهان و پوشیده، تا رستاخیز نیز چنین خواهد بود.

لذا بنا براین ادله، نحوه ای از ارتباط وجود دارد.

ادله دیگر آنها این است که می گویند عقل منعی برای ارتباط نمی شناسد. ارتباط با امام نه محال است و نه مستلزم محال است و چون اینگونه است بنابراین ارتباط امتناع ندارد و محال نخواهد بود.

دلیل دوم آنها نقلی است.

محمد ابن عثمان نائب خاص امام فرمودند «و الله إن صاحب هذا الأمر لیحضر الموسم کل سنة فیری الناس و یعرفهم و یرونه و لا یعرفونه» به خدا امام در مراسم حج هر سال شرکت می کند و مردم را می بیند و می شناسد اما آنها امام را می بینند ولی نمی شناسند.

بنابراین فیض حضور و ملاقات به معنای شناخت را نفی می کنند. اما ارتباط را در اصل جایز می دانند. اما گروه اول هیچ نحوه ارتباط را جایز نمی دانستند.

ابابصیر از امام صادق روایتی نقل می کند به این مضمون که شباهتی بین امام عصر و یوسف وجود دارد و آن این است که خدا بین او و خلق یک حجابی قرار می دهد. لذا وجودش ناپیدا نیست بلکه ناشناس است. مردم او را می بینند ولی

او را نمی شناسند. چراکه برادران یوسف نیز او را نشناختند.

لذا بر اساس این ادله جناب سیدمرتضی می گوید «همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد.» شیخ طوسی نیز می نویسد: ما با جزم و یقین نمی دانیم که آن محبوب دل ها از دیده همه دوستدارانش نهان و غایب است؛ بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان ظاهر شود.

سید مرتضی این قید را بیان می کند که «افرادی که از سوی آنها ترسی وجود نداشته باشد» به این معنی است که کسی که به دنبال مراد و مریدی و به دنبال مرجع شدن در این حوزه است و مدعی ارتباط است و... در این دایره قرار نمی گیرد.

سید بن طاووس نیز در این باره خطاب به فرزند خود نوشته است: امام، اکنون از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست گروهی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار او استفاده کنند.

دلیل سوم که این ارتباط وجود دارد این است که عده ای از عالمان دینی ما که شخصیت های وارسته و اهل ورع و تقوی هستند، خدمت حضرت رسیدن را ادعا کرده اند که نمی توان آن را رد کرد اما آنها وارسته و اهل ورع و تقوی هستند.

اگر مثلاً کسی مثل سیدبحرالعلوم خدمت امام برسد، ما این را رد نمی کنیم چرا که جناب سید این ملاقات را اختیار نکرده بود بلکه امام به او این ملاقات را عنایت کرده اند. ما این ملاقات را از سید قبول می کنیم چون جایگاه سیدبحرالعلوم مشخص است.

ولی این مسئله را در مورد همگان نمی پذیریم که هر کس ادعا کند امام با او ملاقات کرده است. کسانی که به ملاقات امام رسیده اند انسان های وارسته ای بودند که نمی خواستند از این طریق برای خود جایگاهی درست کنند.

یک نکته شرط اساسی ملاقات امام عصر است. ملاقات با امام خوبی ها یک خواسته و نیاز به درگاه خدای حکیم است و تنها در حالی به اجابت می رسد که انجام آن، مطابق حکمت و مصلحت باشد؛ بنابراین هرگاه با وجود همه شور و اشتیاق یک عاشق و تلاش او برای شرفیابی به محضر امام، ملاقاتی دست ندهد، نباید گرفتار یأس و ناامیدی شود و این را نشانه نبود لطف و عنایت امام بداند؛ بلکه باید بکوشد که با توسل به آن بزرگوار و ارتباط روحی با آن سرچشمه نیکی ها از حضور آن عزیز بهره بگیرد که این راه، همیشه و برای همگان باز است.

احمدبن ابراهیم نویختی، روزی به پدر همسرش محمدبن عثمان، دومین نایب خاص امام عصر (عج) گفت: «من به زیارت صاحب الزمان مشتاقم». محمد بن عثمان به او گفت: «با شوقی که داری، می خواهی او را ببینی؟» احمدبن ابراهیم گفت: «آری». محمد گفت: «خداوند، تو را بر این شوق پاداش دهد و چهره حضرت صاحب الامر را در حالت عافیت به تو نشان دهد». سپس گفت: «در ایام غیبت، مشتاق آن حضرت باش؛ اما درخواست ملاقات نکن؛ زیرا این مسأله، از اموری است که مربوط به اراده و مشیت الهی است و تسلیم آن بودن، بهتر است؛ لکن به وسیله زیارت کردن به آن حضرت توجه کن.»

لذا لازم نیست ما ملاقات طلب کنیم بلکه دعای فرج و قیام برای فرج باید صورت گیرد.